
بررسی ویژگی های جمعیتی و اقتصادی خانوار های تک فرزندی در ایران در سرشماری سال ۱۳۹۰

رامین فکری کیا^۱، دکتر علی پژهان^۲

چکیده

مردان و زنان ثروت واقعی هر ملتی را تشکیل می دهند. پژوهش حاضر در پی ارائه توصیفی ژرف از ویژگی های جمعیتی، اقتصادی خانواده های تک فرزندی در ایران است. پرسش اصلی این پژوهش را بر همین مبنا "چگونگی ویژگی های جمعیتی و اقتصادی خانواده های تک فرزندی" قرار دادیم. برای پاسخ به این پرسش به انجام پژوهش توصیفی - تحلیلی با رویکرد جمعیت شناختی (تحلیل داده های ثانویه) پرداختیم.

نتایج پژوهش نشان می دهد که نرخ تک فرزندی در کشور ۲۳/۹ درصد در سال ۱۳۸۵، به ۲۸/۵ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. استان گیلان در طی سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب با ۲۸/۹ و ۳۴/۱ درصد بالاترین نرخ تک فرزندی را داشته است و استان های سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد، کمترین درصد تک فرزندی در سال ۱۳۸۵ با ۱۶/۲ درصد و استان سیستان و بلوچستان با ۱۸/۴ درصد، در سال ۱۳۹۰ کم ترین نرخ را داشته اند.

درصد خانوارهای تک فرزندی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵، ۴/۶ درصد روند افزایشی داشته و پیش بینی می شود این درصد در سال ۱۴۳۰ به ۵۰ درصد برسد. بنابر این مساله ای که باید در رأس تصمیمات و برنامه های دولت مردان قرار گیرد، فرزند آوری است که این موضوع نیازمند فرهنگ سازی است. تا ذهنیت و طرز نگرش ها به فرزند آوری مثبت شود و در این میان مهمترین ابزار تغییر سبک زندگی، رسانه ها هستند.

کلید واژه ها: تک فرزندی، خانوار، باروری، فرزند زنده، وضعیت جمعیتی و اقتصادی

۱. کارشناس ارشد جمعیت شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.

Ramin_fekri@yahoo.com

۲. مدرس جمعیت شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

مقدمه

امنیت پایدار در هر کشور در گرو قدرتمندی جمعیت آن کشور است. یکی از مسائل اساسی جهان امروز مساله جمعیت است. توجه به این موضوع، جدید نیست بلکه قدمتی به طول کل تاریخ بشر دارد. مسئله جمعیت مسئله‌ای بنیادین در امر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی های آینده‌نگر است که همواره مورد توجه و دغدغه دولت‌ها بوده است، چرا که جمعیت عاملی است که همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه انسانی با آن در ارتباط اند. در واقع ارتباط متقابلی بین عوامل مختلف و جمعیت وجود دارد. به این معنا که تغییرات جمعیتی متأثر از عوامل اجتماعی و فرهنگی است و جمعیت نیز به نوبه خود بر مسائل مختلف مثل فرهنگ، اشتغال، مسکن، نحوه زندگی و تحولات آن اثر گذار است. تغییرات جمعیتی ایران، در سال‌های اخیر مسائل و چالش‌های متعددی را به همراه آورده است. از یک سو، ایران در سال‌های گذشته با مشکلات و مسائل رشد بی‌رویه جمعیت دست و پنجه نرم می‌کرد و از سوی دیگر امروزه با روند کاهشی که بعد از دهه ۶۰ در میزان باروری و میزان مولید حاصل شد که این روند نیز امروزه چالش‌هایی را پیش روی آینده کشورمان قرار داده است، بدین صورت که در حال حاضر هر خانواده با کمتر از دو فرزند در حال جایگزینی است و این مشکل کاهش رشد جمعیت و حتی کاهش جمعیت فعال در کشور را به دنبال دارد.

ضمن اینکه آمارهای جمعیتی در ایران نشان از باروری پایین و گرایش زوج‌های جوان به فرزندآوری محدود دارد بر همین اساس صاحب نظران کاهش فرزندآوری به دو فرزند و حتی کمتر را نشانه رشد منفی جمعیت می‌دانند که پیامدهایی از جمله: عدم رشد و توسعه اقتصادی کشور (کاهش جمعیت فعال در آینده و افزایش بار تکفل)، پیری و بی‌نشاطی جمعیت (جوانان مایه سر زندگی هر کشوری هستند)، آسیب‌های اخلاقی و تربیتی (افزایش سطح توقع تک فرزندان از والدین و نارضایتی آنان) و انقطاع نسل بشر را به همراه دارد، علاوه بر این آسیب‌های روانی تک‌فرزندی سبب کوچک شدن خانواده‌ها و بحرانی شدن امنیت روانی افراد به دلیل عدم وجود خواهر و برادر و... می‌باشد که جملگی از آفت‌های پدیده تک‌فرزندی می‌باشند.

بر این اساس مسئله‌ای که باید حل ریشه‌ای آن در راس تصمیمات و برنامه‌های دولتمردان قرار گیرد، مسئله فرزندآوری است، از سوی دیگر باید به این نکته هم توجه داشت که افزایش تعداد مولید بدون تامین زیرساخت‌ها و فرهنگ‌سازی، به طور قطع در سال‌های آتی کشور را با مشکلات عدیده‌ای چون نبود مسکن، کاهش منابع و از بین رفتن فرصت‌های شغلی و تحصیلی

رو به رو می کند.

بنابر این مسائل مذکور چالش های جدی به شمار می روند که عدم اهتمام به آنها از سوی نهادهای تأثیرگذار، تبعات و آثار جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت. رسیدن به رشد جمعیت مطلوب کشور، نیازمند فرهنگ سازی است تا ذهنیت ها و طرز نگرش ها به مسئله فرزندآوری مثبت شود و در این میان مهمترین ابزار تغییر سبک زندگی، توسط رسانه ها هستند. امروز رسانه ها باید برای تغییر گفتمان موجود درباره فرزندآوری و تحقق سیاست جمعیتی جدید از قدرت خود در فرهنگ سازی و تغییر سبک زندگی استفاده نمایند. طبیعتاً پدیده تک فرزندی، حرکت منحنی جمعیت را به سوی میانسالی می کشد. مسئله ای که باید به صورت ریشه ای حل گردد زیرا خانوارهای تک فرزند، قبل از حل مشکلات خود اقدامی برای فرزندآوری انجام نمی دهند، البته افزایش تعداد مولید بدون تامین زیرساخت ها در سال های آینده، جامعه را با مشکلات فراوان رو به رو می کند. بدین لحاظ اندازه گیری و شناخت باروری و عوامل تعیین کننده آن در هر جامعه نه تنها برای پیش بینی های جامعه و توسعه، امری لازم و ضروری است، بلکه در ارزیابی شرایط اقتصادی و اجتماعی مورد مطالعه قرار می گیرد. بررسی نتایج سرشماری ۱۳۹۰ نشان از افزایش پدیده تک فرزندی در سطح کشور دارد. با توجه به عوامل ایجاد پدیده تک فرزندی در سطح کشور و تاثیر این پدیده بر تمام جنبه های مختلف جامعه، شناسایی دقیق تمام جنبه های تک فرزندی ضروری است. بنابر این مقاله حاضر در صدد است تا به شناسایی بررسی ویژگی های جمعیتی و اقتصادی خانوارهای تک فرزندی در ایران بپردازد.

هدف پژوهش

شناخت ویژگی های جمعیتی و اقتصادی خانوارهای تک فرزندی شامل بعد خانوار، محل زندگی فرزند، گروه های سنی، وضع فعالیت و وضع شغلی زنان، در سرشماری سال ۱۳۹۰ می باشد.

پیشینه پژوهش

پژوهشی درباره "زمینه های کم فرزندآوری در استان کردستان، مطالعه موردی شهر سقز" توسط محمودیان و دیگران در سال ۱۳۸۸ انجام شده است. یافته های این پژوهش بیانگر آن

است که کم فرزند آوری در این جامعه، به عنوان یک کنش اجتماعی معنادار از شیوع گسترده ای برخوردار است و در قالب نوعی گفتمان، بر نظام معنایی و کنش افراد و خانواده ها حاکم است. نتیجه این تحقیق بیان می کند که یک فضای گفتمانی در مورد پدیده کم فرزند آوری در این جامعه حاکم است که پیرامون مضرات تعدد فرزندان و مزایای کم فرزندگی در اختیار مردم گذاشته و تا حد زیادی نظام معنایی مردمان این جامعه را فرا گرفته است. در این جامعه کم فرزندگی تحت حمایت یک سری ارزش های جدید قرار دارد، ارزشهایی که بخشی از آنها نتیجه گسترش ارتباطات اجتماعی در سطح منطقه ای و فرامنطقه ای و بخشی دیگر از منابع نهادی جامعه گرفته است. جالب توجه است که جامعه نیمه سنتی، کنش فرزندآوری خود را با یک سری ارزش های کاملاً مدرن مدیریت می کند.

شیری و بیداریان در سال ۱۳۸۸ در تحقیقی "بررسی عوامل اقتصادی جمعیتی مؤثر بر باروری زنان ۴۹-۱۵ شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۲۲ تهران"، درصد تبیین تأثیر عوامل اقتصادی جمعیتی مؤثر بر باروری زنان ۴۹-۱۵ ساله شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۲۲ تهران است. یافته های این تحقیق بیان می کند که تحصیلات، تعداد فرزندان، سن همسر، سن به هنگام اولین بارداری، بر باروری تأثیر دارد و عواملی چون سن، درآمد، میزان آشنایی با وسایل جلوگیری از بارداری، تنظیم فواصل بین باروری و هزینه اوقات فراغت فرزندان تأثیری بر باروری ندارد. یافته های این تحقیق عدم توجه و یا کم توجهی به شرایط اجتماعی، ارزشی و فرهنگی حاکم بر فضای جامعه و موانع اقتصادی تأثیرگذار بر باروری را به عنوان عناصر مهم و مؤثر بر باروری برشمردند.

در تحقیق "تعیین کننده های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی- درمانی همدان" که توسط حسینی و بگی در سال ۱۳۹۳ انجام شد، مشخص گردید که کاهش تمایلات فرزندآوری و تغییر در رفتار و ایده آل های باروری زنان، علاوه بر تأثیر قاطعی که بر میزان رشد جمعیت دارد بر ترکیب و ساختار جمعیت نیز تأثیر خواهد گذاشت. کاهش تمایل به فرزندآوری، تعویق ازدواج و در نتیجه افزایش میانگین سن ازدواج در فهرست مسائل اجتماعی کشور جای گرفته است.

توغانده^۱ (۱۹۹۸) در مناطق شهری نیجریه به بررسی تأثیر اشتغال زنان بر باروری، پرداخته است. وی معتقد است که به دو دلیل اشتغال زنان تأثیر منفی بر روی باروری در آفریقا ندارد.

یکی آن که نظام خانواده در آفریقا، مادران را برای پرورش فرزندان متعدد آماده می سازد. دیگری با وجود ساختار پدرسالاری، کنترل شوهران و وابستگان شوهر در جامعه آفریقا، زنان در فرآیند باروری اعمال نظر نمی کنند.

مطالعه ای در انگلستان و ولز توسط داوفاواید لاند^۱ و دیگران در سال ۱۹۹۱، با عنوان "انتقال از سطوح باروری نکاحی بالا به سطوح پایین، تعیین کننده های فرهنگی یا اقتصادی - اجتماعی" انجام شد. در این مطالعه، سه جنبه از انتقال باروری نکاحی که شامل سطوح پیش از انتقال باروری نکاحی، مدت زمان کاهش باروری و میزان های کاهش باروری بود، مورد مطالعه قرار گرفت. هدف، بیان اهمیت متغیرهایی فرهنگی، جمعیتی اجتماعی - اقتصادی در فرآیند انتقال از باروری بود. عوامل فرهنگی تأثیر کمی بر ویژگی های انتقال باروری داشتند. البته این انتقال به عنوان فرآیند اشاعه ایده ها نمی تواند به طور مستقل از عوامل اقتصادی - اجتماعی در نظر گرفته شود.

در تحقیقی در مورد ترجیح جنسی در کاهش باروری در هند در سال ۲۰۰۳، ماری بهات^۲ و زویر^۳، نقش مهمی برای وضعیت اقتصادی قائل شدند. اگر زنان از نظر اقتصادی فعال باشند، دختران دارای ارزش هستند و از این جهت، برتری پسران کاهش می یابد. با افزایش ثروت در خانواده نگرانی ها درخصوص امنیت در دوران پیری کاهش یافته و برتری پسران نیز کم می شود در نتیجه باروری کاهش می یابد. محل سکونت، میزان تحصیلات و مدت شیردهی به اطفال از میان سایر عوامل بیشترین تأثیر را بر روی باروری زنان می گذارند.

مطالعه ای دیگر تحت عنوان "کاهش باروری در هنک کنگ" توسط رونالدو فریدمن^۴ در سال ۱۹۷۰ انجام گرفت که به بررسی شاخص های اقتصادی، اجتماعی و انگیزه کاهش باروری در کشور پرداخت. نتیجه این بود که کاهش باروری در سنین بالای ۳۰ سالگی بیشتر است، البته کاهش باروری در سنین پایین از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا با افزایش میانگین سن ازدواج و کاهش باروری سنین بالا، تجدید نسل اهمیت می یابد. با افزایش سن ازدواج، کنترل ارادی در جهت محدود کردن زاد و ولد نقش بسیار کمی در به دنیا آوردن فرزند، به دست می آورد که مطلوب جوامع توسعه یافته و پیشرفته می باشد (شیری و بیداریان، ۱۳۸۸).

1. Dov.Friedlander
2. M.Bhat
3. Zavier
4. Freed man

ملاحظات نظری

تبیین پدیده تک فرزندی را می توان در قالب دو دسته از نظریه ها ارائه نمود. ۱. نظریات انتخاب عقلانی، ۲. نظریات مرتبط با تبیین های هنجاری - فرهنگی. از میان نظریه های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری برای تبیین پدیده تک فرزندی، از نظریه های کلاسیک گذار جمعیت شناختی، نوآوران مفهوم انتقال جمعیتی دوم، برابری جنسیتی، خیال اندیشی و تئوری درآمد نسبی استفاده می شود. لینکلن دی معتقد است: «تولیدمثل یک عمل شخصی است، اما یک امر شخصی نیست. تولیدمثل عواقب اجتماعی عدیده ای دارد». اولین هسته زندگی اجتماعی بشر از خانواده آغاز می گردد. تغییرات ارزشی در حوزه خانواده بر جامعه تأثیر می گذارد. یکی از عرصه هایی که در کشور ما در این سال ها دستخوش تحولات بسیاری شده، کنش های فرزند آوری افراد و خانواده ها، به ویژه زنان است. امروزه طرز تلقی و تمایل خانواده های ایرانی نسبت به فرزندآوری تغییر کرده است (حسینی و بگی، ۱۳۹۳). باروری همواره به دلیل رکن اصلی رشد جمعیت، همیشه مورد توجه قرار داشت. لذا در ارزیابی شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه از شاخص های مهم به شمار می آید. در میانه قرن ۱۹ در کشورهای آمریکا و استرالیا، نیمی از زنان تا پایان دوره باروری خود ۹ فرزند داشتند. در حالی که امروزه در این کشورها متوسط تعداد فرزندان، کمتر از ۲ فرزند برای هر زن است (مک دونالد^۱، ۱۹۹۳).

در نیمه اول قرن ۱۹، کاهش باروری در فرانسه مشاهده گردید. در نیمه دوم قرن ۱۹ در ایالات متحده و دیگر کشورهای اروپایی و نیز کانادا، استرالیا و نیوزلند گزارش شد (هکر^۲، ۲۰۰۳).

در سال ۱۹۶۵ میزان باروری در آسیا ۵/۷ فرزند برای هر زن بود که در سال ۱۹۹۵ به ۲/۵ فرزند برای هر زن کاهش یافت. اما این روند در جنوب و غرب آسیا به شکل آرام تری در حال انجام است (آقا، ۱۳۶۴). میزان باروری در ارتباط عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی است. پس شناخت دقیق این عوامل ضروری است. گرچه برخی اندیشمندان سرعت گذار باروری در ایران را متأثر از برنامه تنظیم خانواده می داند، اما بر نقش تغییرات اجتماعی و اندیشه در گذار باروری تأکید می کنند. کاهش تمایلات فرزندآوری و تغییر در رفتار و ایده آل های باروری زنان، علاوه بر تأثیر قاطعی که بر میزان رشد جمعیت دارد، بر ترکیب و ساختار جمعیت نیز تأثیر

-
1. McDonald
 2. Hacker

خواهد گذاشت.

در حالی که انتقال باروری در ایران، در اواخر قرن بیستم شکل گرفت. در سال ۱۳۶۵ باروری کل از ۶/۳ فرزند برای هر خانوار به ۲/۲ در سال ۱۳۸۰ رسید. میزان باروری در تمام گروه های سنی با کاهش همراه بود. به فرزندآوری باید به عنوان یک کنش اجتماعی معنادار نگریسته شود، زیرا متأثر از شرایط گوناگون جوامع است و کنشی است که بسته به شرایط، تفسیرهای خاصی را به خود اختصاص داده است.

کشور ما در دهه های اخیر، تحولات اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی زیادی را تجربه کرده است. هم زمان با این تغییرات و تحولات، رفتار باروری نیز تغییر یافته است. گذار دوم جمعیتی از زمانی آغاز می گردد که سطح باروری کل به زیر سطح جانشینی برای یک مدت زمان نسبتاً پایدار برسد. با بررسی وضعیت باروری کل کشور در طی سه دهه گذشته، نشان از کاهش شدید باروری دارد. به طوری که این روند به زیر سطح جانشینی رسیده است. کاهش باروری به زیر سطح جانشینی و به دنبال آن کاهش جمعیت، افزایش میانه سن، سالمندی جمعیت و کاهش نیروی کار جوان از جمله این چالش هاست.

تک فرزندی باعث چالش های اجتماعی و فرهنگی یا بحران ساختاری خانواده می شود یعنی زمانی که جوامع وارد دومین انتقال جمعیتی می شوند، نظام ارزشی و نگرشی آنها به ویژه در زمینه ازدواج، تشکیل خانواده و ارزش فرزندان تغییرات اساسی می یابد، در این مرحله شکل سنتی تشکیل خانواده، تعریف سنتی نقش زنان و مردان در خانه و تعهدات و قیود خانوادگی نیز تغییر خواهد کرد و این به علت حضور بیشتر زنان در آموزش و اشتغال و شیوع ارزش های اجتماعی طبقه متوسط غرب در جوامع در حال توسعه است. در واقع بحران ساختاری خانواده منجر به کاهش فرزندآوری یا پدیده تک فرزندی می شود.

نسل جدید، فرزند را مخل آسایش، گران قیمت و پر هزینه می داند و با توجه به این که والدین دیگر خواسته های خود را از لحاظ عواطف در فرزندان نمی یابند، تمایلی برای فرزندآوری بیشتر ندارند. با تغییرات عدیده صورت گرفته در سطح زندگی، در حال حاضر شاهد گسترش پدیده تک فرزندی هستیم. در واقع زنان امروز هویت زنانه خود را در جاهای دیگری جز خانه و مادر شدن جستجو می کنند (حسینی و بگی، ۱۳۹۳). به طوری که هاروی کوس می گوید: «تصمیم نگرفتن خود تصمیم گیری است». در واقع منظور از تک فرزندی این است که داشتن تنها یک فرزند بدون قصد آوردن فرزند دیگر و استفاده از روش مطمئن پیشگیری از بارداری و

یا پایان دوره باروری است.

ساموئل هانتینگتون^۱، درباره تمدن اسلام و چین و چالش آن با تمدن غرب، با اشاره به نقش روزافزون مسلمانان گفت: اسلام تمدنی است که چالش آن متفاوت از چالش تمدن های دیگر است. زیرا ریشه این تمدن در نوعی پویایی جمعیت بوده و رشد بالای زاد و ولد در اکثر کشورهای اسلامی، دلیل این امر است. تحلیل گران غرب، جمعیت جوان کشورهای مسلمان را هراسناک تحلیل می کنند. در این شرایط جمعیت جوان و تحصیلکرده جهان، به نفع کشورهای مسلمان است و جمعیت جوان و آگاه انرژی خود را صرف حمایت از کشور و باطل ساختن توطئه های قدرت های استکباری می کند. بنابراین جمعیت جوان کشورهای مسلمان، خطر بزرگی بر سر راه اهداف کشورهای غربی محسوب می شود و همچنین در درون کشورهای غربی افزایش جمعیت مسلمانان نگرانی دیگر این قدرت ها است. طبیعی است که رشد منفی جمعیت اروپایی و زاد ولد مسلمانان، مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای مزبور را تحت تاثیر قرار دهد. به طور مثال موضع گیری هایی که در مقابل جمعیت مسلمانان می شود، مشخص می کند که جمعیت، یک فاکتور مهم در اقتدار سیاسی است. کشور چین با جمعیت اش یک تهدید جدی برای قدرت های بزرگ به حساب می آید. البته جمعیت به کمک عواملی چون پویایی اقتصاد، اصرار بر حفظ ارزش های ملی، دینی و سنتی با اتکا بر فرهنگ و تأثیری مهم بر جای می گذارد.

"نظریه کلاسیک گذار جمعیت شناختی" به کاهش باروری در اجتماعات کشاورزی معروف است. مهم ترین بحث در مورد علل کاهش باروری را فرانک نوشتستاین^۲ بیان کرد. در اجتماعات کشاورزی روستایی سنتی، به منظور تأمین بازماندگی جمعیت و جبران میزان بالای مرگ و میر، باروری بالاست. به دنبال توسعه جامعه، تغییرات اقتصادی و اجتماعی همچون صنعتی شدن، شهرنشینی و افزایش سطح تحصیلات، با کاهش مرگ و میر، باروری نیز کاهش یافت. از نظر او، نیروی اصلی کاهش باروری افزایش هزینه ها و کاهش ارزش اقتصادی کودکان است، افزایش بازماندگی فرزندان با کاهش انگیزه های فرزندآوری، منجر به پذیرش کنترل موالید شد. نوآوران مفهوم انتقال جمعیتی دوم، کاهش تمایل به فرزندآوری را به افزایش استقلال اقتصادی زنان و تلاش برای خود کفایی دانستند. همچون گری بکر^۳ هزینه های بالای مادر بودن

1. Huntington

2. F. Notestein

3. Becker

را دلیل کاهش تمایل به فرزند آوری عنوان نمود (قدرتی و دیگران، ۱۳۹۰).
تئوری درآمد نسبی استرلین^۱، تعامل بین عوامل و پیامدهای تغییر جمعیت را به هم مرتبط می‌کند. او معتقد بود که عوامل اجتماعی و فرهنگی اثرات عوامل اقتصادی را در خصوص باروری جامعه کاهش خواهد داد. مدل او به نظریه ی عرضه و تقاضا و هزینه های تنظیم یا چارچوب عرضه و تقاضا مشهور است (حسینی، ۱۳۸۱). متغیرهای اساسی این مدل، تقاضا برای فرزند، عرضه فرزند و هزینه های تنظیم خانواده است، این متغیرها نقش اساسی در تحلیل باروری دارند. زیرا بین تعیین کننده های اجتماعی و اقتصادی ارتباط برقرار کرده و باروری را تبیین می کنند (بونگارت، ۱۹۹۳). از نظر استرلین، شکاف موجود بین خواسته ها و درآمدهای زوجین، بیانگر سطح باروری است. از نظر او نمی توان با درآمد جاری میزان باروری را توجیه کرد، زیرا با افزایش تولید، خواسته ها و تقاضای مردم بالا می رود. باروری یک نسل به مقایسه سطح زندگی این نسل و نسل آینده بستگی دارد.

کالدول^۲ نقش عوامل اقتصادی را در کاهش باروری مورد توجه قرار داده است. او، کاهش باروری را به هسته ای شدن خانواده و جریان ثروت بین نسلی از طرف والدین به فرزندان مربوط می داند که قبلاً جهت این جریان از فرزندان به والدین بود. طبق این نظریه قبل از آغاز کاهش باروری در یک جامعه، از نظر اقتصادی باروری کنترل نشده، انتخاب عقلانی محسوب می شد. زیرا فرزندان، دارای ارزش و منفعت بودند و در مواقع خطر، بیماری و سالخوردگی والدین، نقش حمایتی ایفا می کردند (کالدول، ۲۰۰۶).

بنا براین به طور کلی عوامل کاهش باروری از نظر کالدول را می توان این چنین طبقه بندی نمود: (۱) افزایش سرمایه گذاری و هزینه های آموزشی برای فرزندان (۲) کاهش نیروی کار فرزندان (۳) توسعه ارزشی خانواده هسته ای به واسطه تغییرات فرهنگی.

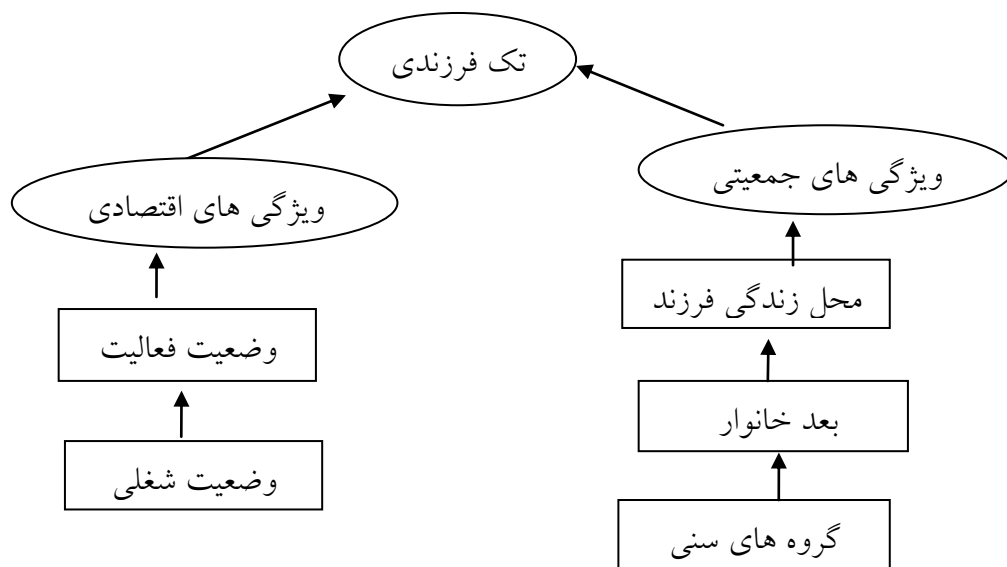
براساس نظریه فیلسوف معروف فرانسوی آرس دمونت^۳، کارشناسان میزان باروری هر خانواده و جامعه را مبتنی بر جایگاه و منزلت والدین یا ساکنین آن جامعه می دانند، اگر باروری را عامل پیشرفت خانواده بدانند آن را ادامه داده و اگر آن را مانع پیشرفت خانواده بدانند آن را کنترل می کند (رشیدی، ۱۳۷۹).

-
1. Easterlin
 2. Caldwell
 3. A.Domont

نظریهٔ برابری جنسیتی مکدونالد، از نگرش جنسیتی با رویکرد کلان در درون نهادها، بعد فرهنگ جنسیتی در جامعه را نشان می‌دهد که بر فرزند آوری می‌تواند موثر باشد. فرهنگ جنسیتی در درون نهادها در حقیقت همان نظام مرتبط با برابری-نابرابری مردان و زنان در ایفای نقش و برخورداری از فرصت‌ها است (محمودیان و دیگران، ۱۳۸۸).

کله لند^۱ و ویلسون^۲ در سال ۱۹۸۷ نظریه خیال اندیشی را پایه‌گذاری کردند. انتقال باروری در این نظریه، به الگوهای عمل جدید اجتماعی و گسترش اطلاعات در مورد کنترل زاد و ولد است. افریقا با توجه به این نظریه، مورد خاص است. زیرا در این قاره افراد، تعداد زیاد فرزند می‌خواهند. گسترش و نشر اطلاعات، کنترل زاد و ولد، به کاهش باروری منجر نمی‌شود. گرچه سیاست تنظیم خانواده می‌تواند بین زاد و لد فاصله ایجاد نماید (منصوریان، ۱۳۸۰). می‌توان گفت که استفاده از رسانه‌های جمعی تأثیر غیرقابل انکاری بر روی گسترش باروری دارد (قدرتی و دیگران، ۱۳۹۰).

مدل نظری پژوهش



1. Cleland

2. Wilson

روش شناسی و داده ها

روش شناسی در این مقاله، توصیفی با رویکرد جمعیت شناختی است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش زنانی است که سن آن ها ۳۵ سال و یا بیشتر، ساکن و یا غیر ساکن خانوارهای معمولی، یک بار ازدواج کرده، دارای فرزند زنده و سرپرست یا همسر سرپرست خانوار باشند، زیرا بر اساس آمار سازمان ثبت احوال، بیشترین ولادت های ثبت شده تا این گروه سنی می باشد. از طرف دیگر بر مبنای اطلاعات پزشکی، فرزند آوری در این گروه سنی به بالا، خطرات جدی برای مادر و فرزند را به همراه خواهد داشت. اطلاعات آن ها از نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ استخراج شده است.

با توجه به هدف پژوهش طبیعتاً خانواده های که دارای یک فرزند هستند، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می دهند. پس سن جامعه آماری در این پژوهش، زنان ۳۵ سال و بیشتر که سرپرست و یا همسر سرپرست بوده و در آن خانوار فقط یک همسر، بوده در نظر گرفته شد.

یافته های پژوهش

نتایج این تحقیق نشان می دهد که تعداد ۴۱۹۰۲۲۲ خانوار تک فرزند در سال ۱۳۸۵ در کل کشور وجود داشته و در سال ۱۳۹۰ به ۶۰۴۶۰۵۴ خانوار رسیده است. تعداد خانوار تک فرزند در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ به ۴۴/۳ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۳۸۵ نسبت تعداد خانوارهای تک فرزند به کل خانوارهای کشور ۲۳/۹ درصد بوده که این نسبت در سال ۱۳۹۰ به ۲۸/۵ درصد رسید. در نقاط شهری، این نسبت از ۲۵/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲۹/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ و در نقاط روستایی از ۲۱ درصد به ۲۵/۸ درصد تغییر کرده است. بررسی نتایج جدول شماره ۱، حاکی از آن است که تعداد خانوارهای تک فرزند و نسبت این تعداد به کل خانوارهای کشور از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ در حال افزایش است.

جدول شماره ۱. نسبت خانوارهای تک فرزند به کل خانوارهای کشور

سرشماری	کل کشور		مناطق شهری		مناطق روستایی	
	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰
کل	۱۷۵۰۱۷۷۱	۲۱۱۸۵۶۴۷	۱۲۴۰۵۵۸۴	۱۵۴۲۷۸۴۸	۵۰۹۶۱۸۷	۵۷۵۷۷۹۹
تعداد						
خانوارهای تک فرزند	۴۱۹۰۲۲۲	۶۰۴۶۰۵۴	۳۱۲۲۳۲۳	۴۵۶۱۱۲۳	۱۰۶۷۸۹۹	۱۴۸۴۹۳۱
درصد	۲۳/۹	۲۸/۵	۲۵/۲	۲۹/۶	۲۱	۲۵/۸

جدول شماره ۲ نشان می دهد در سال ۱۳۹۰، تعداد ۶۸۱۲۸۴ زن سرپرست و یا همسر سرپرست خانوار ۳۵ ساله و بیش تر دارای فرزند زنده، با ۸۱/۴ درصد، به همراه تک فرزند خود زندگی می کرد. این نسبت در سال ۱۳۹۰ در مناطق روستایی ۷۷/۳ درصد و در مناطق شهری، ۸۲/۲ درصد می باشد. این آمارها از توانایی زنان برای اداره زندگی خود با تک فرزند، در مناطق شهری اشاره دارد.

جدول شماره ۲. نسبت تعداد زنان سرپرست و یا همسر سرپرست خانوار ۳۵ ساله و بیشتر

دارای یک فرزند زنده بر اساس محل زندگی فرزند در سال ۱۳۹۰

کل	کل کشور		شهری		روستایی	
	۱۳۹۰	۱۰۰	۱۳۹۰	۱۰۰	۱۳۹۰	۱۰۰
زندگی مادر با فرزند	۶۸۱۲۸۴	۸۱/۴	۵۷۱۶۷۱	۸۲/۲	۱۰۹۶۱۳	۷۷/۳
عدم زندگی مادر با فرزند	۱۵۵۷۸۸	۱۸/۶	۱۲۳۶۴۵	۱۷/۸	۳۲۱۴۳	۲۲/۷

یافته های این تحقیق در جدول شماره ۳ نشان می دهد که خانوارهای ۳ نفره بالاترین نسبت تک فرزندی در بین زنان سرپرست و یا همسر سرپرست خانوار ۳۵ ساله و بیش تر دارای فرزند زنده، در سال ۱۳۹۰ با تعداد ۵۶۸۶۷۷ نفر و ۶۷/۹ درصد، داشته است. تمایل این زنان برای تشکیل خانوار ۳ نفره نسبت به سایر خانوارها بیشتر و در حال افزایش است.

جدول شماره ۳. نسبت تعداد زنان سرپرست و یا همسر سرپرست خانوار ۳۵ ساله و بیشتر دارای یک فرزند زنده براساس تعداد اعضای خانوار به تفکیک مناطق در سال ۱۳۹۰

تعداد	کل کشور	شهری	روستایی
یک نفر	۵۳۵۸۷	۴۲۴۰۷	۱۱۱۸۰
دو نفر	۱۳۹۲۸۴	۱۱۱۷۵۶	۲۷۵۲۸
سه نفر	۵۶۸۶۷۷	۴۸۴۸۱۱	۸۳۸۶۶
چهار نفر	۴۴۴۰۵	۳۴۵۱۱	۹۸۹۴
پنج نفر	۲۰۱۶۱	۱۴۶۲۶	۵۵۳۵
پنج نفر به بالا	۱۰۹۵۸	۶۹۸۷	۳۹۷۱

جدول شماره ۴ نشان می دهد بیشترین تعداد زنان سرپرست و یا همسر سرپرست خانوار ۳۵ ساله و بیش تر دارای فرزند زنده، در سال ۱۳۹۰ با تعداد ۳۶۰۶۴۹ و ۴۳/۱ درصد، در گروه سنی ۳۵-۳۹ ساله قرار دارد. در حالی که این نسبت با بالا رفتن در گروه های سنی، در حال کاهش است.

جدول شماره ۴. نسبت تعداد زنان سرپرست و یا همسر سرپرست خانوار ۳۵ ساله و بیشتر دارای یک فرزند بر اساس گروه های سنی آنها به تفکیک مناطق در سال ۱۳۹۰

گروه سنی	کل کشور	شهری	روستایی
کل کشور	۸۳۷۰۷۲	۶۹۵۰۹۸	۱۴۱۹۷۴
۳۵-۳۹ ساله	۳۶۰۶۴۹	۳۰۱۲۹۱	۵۹۳۵۸
۴۰-۴۴ ساله	۱۸۷۰۵۴	۱۵۷۸۷۹	۲۹۱۷۵
۴۵-۴۹ ساله	۱۰۳۵۲۳	۸۷۱۱۳	۱۶۴۱۰
۵۰-۵۴ ساله	۶۴۴۱۵	۵۳۸۵۳	۱۰۵۶۲
۵۵-۵۹ ساله	۴۱۹۵۴	۳۴۶۷۷	۷۲۷۷
۶۰-۶۴ ساله	۲۷۳۳۱	۲۱۸۷۰	۵۴۶۱
۶۵ ساله و بیش تر	۵۲۱۴۶	۳۸۴۱۵	۱۳۷۳۱

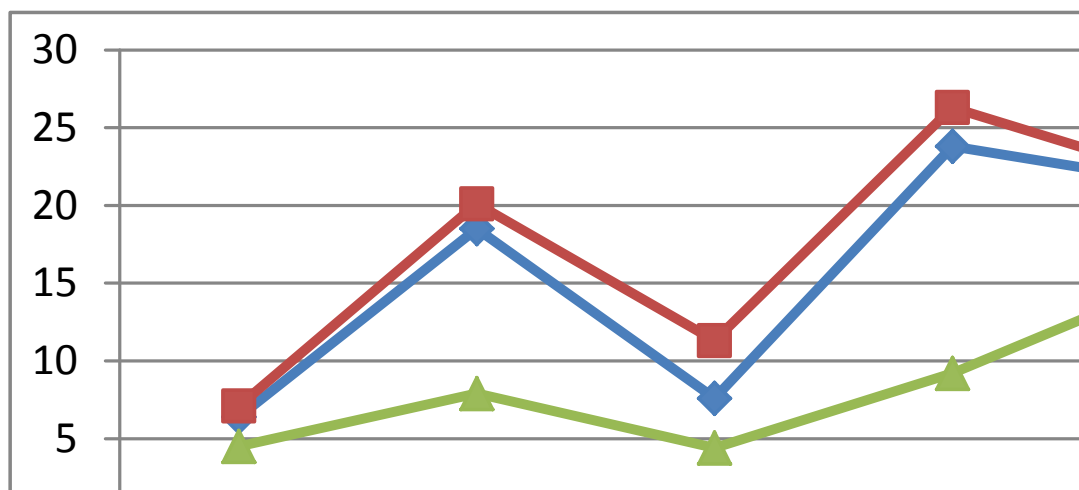
جدول شماره ۵ حاکی از آن است که نسبت تک فرزندی زنان شاغل با ۱۶۵۱۷۸ تعداد و ۱۶/۱ درصد، در مقایسه با زنان بیکار با ۸۸۹۵ تعداد و ۲۱/۹ درصد، دارای یک فرزند زنده، کمتر است. همچنین زنان شاغل در نقاط شهری با ۱۹/۹ درصد و در نقاط روستایی با ۵/۵ درصد، دارای تک فرزند هستند در حالی که این نسبت در زنان بیکار، در نقاط شهری با ۲۲/۸ درصد و در نقاط روستایی با ۱۵/۵ درصد، است. استان تهران با ۲۸ درصد، دارای زنان شاغل و زنان بیکار با ۲۶/۷ درصد، دارای یک فرزند زنده هستند. نسبت تک فرزندی در زنان دارای همسر شاغل ۸/۳ درصد و در زنان بیکار ۹/۵ درصد است. این نسبت در نقاط شهری تفاوت چندانی ندارد، اما در نقاط روستایی، زنان دارای همسر شاغل با ۴/۵ درصد، زنان دارای همسر بیکار با ۷/۱ درصد، می باشند.

جدول شماره ۵. نسبت تعداد زنان سرپرست و یا همسر سرپرست خانوار ۳۵ ساله و بیشتر دارای فرزند زنده براساس وضع فعالیت و یک فرزند زنده به تفکیک مناطق در سال ۱۳۹۰

وضع فعالیت	تعداد فرزند	کل کشور	شهری	روستایی
شاغل	دارای یک فرزند زنده	۱۶۵۱۷۸	۱۶/۱	۱۵۰۳۷۸
بیکار	دارای یک فرزند زنده	۸۸۹۵	۲۱/۹	۸۱۳۷
محصل	دارای یک فرزند زنده	۳۳۵۸	۲۱/۶	۳۲۳۶
خانه دار	دارای یک فرزند زنده	۵۷۱۷۶۶	۶/۲	۴۵۹۱۳۲
دارای درآمد بدون کار	دارای یک فرزند زنده	۶۴۳۴۷	۷	۵۶۵۱۱

نمودار شماره ۱ نشان می دهد که در میان زنان شاغل تک فرزندی، کم ترین نسبت، مربوط به کارکنان فامیلی بدون مزد با ۳/۷ درصد و بالاترین نسبت مربوط به مزد و حقوق بگیران

بخش خصوصی با ۲۳/۸ درصد است. اما در میان وضع شغلی همسرانی که مزد و حقوق بگیر بخش عمومی هستند با ۱۱/۱ درصد بیشترین، اما در وضع شغلی کارکنان فامیلی بدون مزد با ۳/۴ درصد، کمترین نسبت تک فرزندی را مشاهده می کنیم.



نمودار شماره ۱. نسبت تعداد زنان سرپرست و یا همسر سرپرست خانوار شاغل ۳۵ ساله و بیشتر دارای فرزند زنده بر اساس وضع شغلی به تفکیک مناطق در سال ۱۳۹۰

بحث و نتیجه گیری

مطالعات مستمر در زمینه خانوارهای تک فرزندی و ویژگی های این نوع خانوار، جهت برنامه ریزی دقیق در هر جامعه ای ضروری است. به منظور پاسخگویی به این ضرورت، تلاشی در جهت مشخص شدن ویژگی های خانوارهای تک فرزندی در سال ۱۳۹۰ با استفاده از آمار سرشماری به انجام رسیده است.

نتایج این مطالعه نشان از افزایش محسوس تعداد خانوارهای تک فرزندی در کشور دارد. که این افزایش در زنان سرپرست خانوار بیشتر است. در سال ۱۳۹۰ نسبت خانوارهای تک فرزندی به ۲۸/۵ درصد رسید، در حالی که این نسبت در سال ۱۳۸۵، ۲۳/۹ درصد بود.

توانایی زنان برای اداره زندگی خود با تک فرزند، از یافته های در خور توجه این مطالعه است. به طوری که ۸۱/۴ درصد از زنان سرپرست و یا همسر سرپرست خانوار در سال ۱۳۹۰، به همراه تک فرزند خود زندگی می کردند. در این بررسی مشاهده شد که، خانوارهای ۳ نفره بالاترین نسبت تک فرزندی را با ۶۷/۹ درصد و تعداد ۵۶۸۶۷۷ نفر را به خود اختصاص دادند. کاهش چشمگیر تعداد زنان تک فرزند، با بالا رفتن سن در گروه های سنی قابل مشاهده است. بطوری که در گروه سنی ۳۹-۳۵ ساله با ۴۳/۱ درصد بالاترین میزان تک فرزندی را در مقایسه با سایر گروه ها، دارا می باشد. نسبت تک فرزندی زنان بیکار با ۲۱/۹ درصد، در مقایسه با سایر فعالیت زنان از بالاترین میزان برخوردار است. در حالی که در میان زنان شاغل تک فرزند، این نسبت مربوط به افرادی است که مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی می باشند.

بنابر این، نتایج، بیانگر افزایش روند تک فرزندی خانوار ها در کشور است، که سیاست گزاران و جمعیت شناسان باید به نقش عوامل فرهنگی از قبیل رسانه ها و ... که پشتوانه اصلی سیاست های جمعیتی هستند، در فرزند آوری خانوارها توجه ویژه ای نمایند.

منابع

فارسی

- ادیبی سده، م، ارجمند سیاهپوش، ا. و درویش زاده، ز. (۱۳۹۰). بررسی میزان افزایش باروری و عوامل موثر بر آن در میان طایفه کرد ساکن اندیمشک، مجله مطالعات توسعه اجتماعی/ایران، سال چهارم، شماره اول
- ایدر، ن ال، درستی، ا.ع. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر اطلاعات و نگرش های جمعیتی بر رفتارهای باروری فرهنگیان شهرستان شوشتر، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر
- آقا، ه. (۱۳۶۴). بررسی باروری در ایران و رابطه آن با شاخص های اقتصادی و اجتماعی، مرکز آمار ایران، شیراز، دانشگاه مراکز جمعیت شناسی
- حسینی، ح، بگی، ب. (۱۳۹۳). تعیین کننده های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی-درمانی همدان، ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، سال هیجدهم، شماره اول

- حسینی، ح. (۱۳۸۱). درآمدی بر جمعیت شناسی اقتصادی و اجتماعی و تنظیم خانواده. همدان، دانشگاه ابوعلی سینا.
- رشیدی، ا. (۱۳۷۹). بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر باروری در شهر دهاقان استان اصفهان، فصلنامه جمعیت، سال هشتم، شماره ۳۳-۳۴.
- شیری، ط، بیداریان، س. (۱۳۸۸). بررسی عوامل اقتصادی جمعیتی مؤثر بر باروری زنان ۴۹-۱۵ شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۲۲ تهران، پژوهش نامه علوم/اجتماعی، سال سوم، شماره سوم.
- قدرتی، ح، احمدی، ع ی، مختاری، افراسیابی، ح. (۱۳۹۰). تحلیل سرمایه اجتماعی و باروری زنان در مناطق شهری سبزوار، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال اول، شماره چهارم
- کلانتری، ص. (۱۳۷۵). روش های مقدماتی تحلیل جمعیت، اصفهان: انتشارات مانی.
- محمودیان، ح، محمدپور، ا، رضایی، م. (۱۳۸۸). زمینه های کم فرزندی در استان کردستان، مطالعه موردی شهر سقز، نامه انجمن جمعیت شناسی، دوره ۴، شماره ۸
- منصوریان، م ک. (۱۳۸۰). تبیین انتقال باروری، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، سال هشتم، شماره پیاپی ۳۲
- هانتینگون، س. (۱۳۸۴). تمدن اسلام و چین: دو چالش پیش روی تمدن غرب، ماهنامه سیاحت غرب، سال سوم، شماره سی و دوم

انگلیسی

- Bongarts, J. (1993) **The Supply – Demand Framework for the Determinante of fertility**
- Caldwell, J.C. (2006) **Demographic Transition Theory**. the Netherlands: Springer
- Hacker, David. (2003) Rethinking the early Decline of Marital fertility in the United States Demography 40 no 4 605-20 N 2003.

- Maribhat, P.N., Franciszavier, A.Y. (2003) **Fertility Decline and Gender Bias in Northern India**, *Demography*, 40, 637-57.
- McDonald. P. (1993) **fertility Transition Hypotheses in R.LEETE and I. ALAM (ed.s), The Revolution in Asian fertility Dimensions**, Causes and IMPLI cations Oxford: Clarendon press. pp 3-14.
- Weeks, J.R. (1992) **Population: An Introduction to Concepts and Issues**. California: Wadsworth, Inc.